

اوقات فراغت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن:

(مطالعه‌ی موردی افراد ۶۴-۱۵ ساله‌ی شهرستان جویبار)

قربانعلی ابراهیمی، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران*
نادر رازقی، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران
رقیه مسلمی پطروودی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران

چکیده

اوقات فراغت، فعالیتی است که اعضای جامعه فارغ از اجبارهای محیط کار و الزامات زندگی، از طریق آن استعدادهای خود را توسعه بخشیده، شخصیت خود را گسترش می‌دهند. چگونگی گذران اوقات فراغت، بازتابی از شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه است که استفاده‌ی مطلوب از این اوقات می‌تواند تأثیر درخور توجهی در بهبود کیفیت زندگی اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه داشته باشد.

پژوهش حاضر به قصد بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اوقات فراغت افراد ۶۴-۱۵ ساله‌ی شهرستان جویبار صورت گرفته است. در این پژوهش با استفاده از روش پیمایش بر روی ۵۱۰ نفر از اعضای جامعه‌ی مورد نظر - که بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند - اطلاعات لازم جمع‌آوری گردید. متغیرهای مستقل که ارتباط آنها با میزان اوقات فراغت (فعال و غیرفعال) سنجیده شده است، عبارتند از: پایگاه اجتماعی-اقتصادی (میزان درآمد، تحصیلات و شغل والدین)، وضعیت تأهل، محل زندگی، سن و جنسیت.

نتایج گویای آن است که میانگین اوقات فراغت فعال (۱/۸۷ از ۴) بیشتر از میانگین فراغت غیر فعال (۱/۴ از ۴) است. بررسی الگوهای گذران اوقات فراغت نشان می‌دهد که فعالیت‌های فراغتی «بودن در کنار خانواده» و «تماشای تلویزیون» از مهمترین الگوهای فراغتی جامعه مورد نظر هستند. همچنین؛ نتیجه‌ی رگرسیون خطی چند متغیره متغیرهای مستقل با اوقات فراغت نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مستقل، چهار متغیر (سن، تحصیلات پاسخگو و تحصیلات پدر و مادر) دارای تأثیر معناداری بر اوقات فراغت هستند. مقایسه‌ی بتاها نشان می‌دهد متغیر سن و تحصیلات پاسخگو با ضرایب بتای (۰/۳۲- و ۰/۱۱۷)، به ترتیب، قویترین و ضعیف‌ترین تأثیر را بر متغیر وابسته اوقات فراغت نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌شناسی اوقات فراغت، اوقات فراغت فعال، اوقات فراغت غیر فعال، سبک زندگی، شهرستان جویبار

مقدمه

فراغت مجموعه‌ای از اشتغالاتی است که فرد کاملاً به رضایت خود یا برای استراحت، یا برای تفریح، یا به منظور توسعه یا آموزش غیرانتفاعی یا مشارکت اجتماعی داوطلبانه، بعد از آزاد شدن از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به آن می‌پردازد (سعیدی رضوانی و سینه چی، ۱۳۸۶). هر چه به تمدن کنونی یا تمدن صنعتی نزدیکتر شده‌ایم، مقوله‌ی اوقات فراغت به عنوان یک نیاز خاص جوامع بشری نمایان‌تر شده است، تا حدی که بعضی تمدن امروز را «تمدن فراغت» نام نهاده‌اند.

اوقات فراغت^۱ و نحوه‌ی گذران آن، از مباحث تازه‌ای است که پس از انقلاب صنعتی و رشد صنایع و فناوری، توجه جامعه‌شناسان را برانگیخته و به موضوعی مهم در حوزه‌ی جامعه‌شناسی بدل شده است. مفهوم زمان فراغت در برابر درگیری‌ها و کار روزمره که اغلب عامل خستگی است، به کار می‌رود و تعریف و تبیین آن به ایجاد شاخه‌های جدیدی از علوم اجتماعی با عنوان «جامعه‌شناسی اوقات فراغت»^۲ و «انسان‌شناسی اوقات فراغت»^۳ انجامیده است (فکوهی و انصاری مهابادی، ۱۳۸۲: ۶۲). دلیل نو پا بودن جامعه‌شناسی اوقات فراغت، شاید از آن جهت باشد که اصولاً خود پدیده‌ی فراغت، پدیده‌ی نوینی است. اسدی در این باره می‌نویسد: نظر جامعه‌شناسان امروزی این است که فراغت واقعی است کاملاً تازه، که در بافت جامعه‌ی صنعتی پدید آمده است و آن را نمی‌توان با بیکاری سده‌های گذشته مقایسه کرد. تصور می‌شود که جامعه‌شناسی فراغت به عنوان امری ضروری مطرح است، زیرا دانشی است که می‌خواهد مسائل واقعی

تحولات حوزه‌ی کار و شیوه‌ی زندگی را مطالعه کند (اسدی، ۱۳۵۲: ۲).

مدرنیته همواره به موضوع پیش رفتن، کنار گذاشتن کهنه، نگرش تازه‌ی انسان به جهان و به خودش معنی می‌دهد (علوی زاده، ۱۳۸۵: ۶۲). بدین گونه پیدایش بعد تازه‌ای از دگرگونی دائمی، انهدام رسوم و فرهنگ سنتی را در صحنه‌ی زندگی اجتماعی رقم زد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱: ۱۸). تفکیک میان کار و اوقات فراغت، یکی دیگر از این دگرگونی‌هاست. اوقات فراغت به‌عنوان مفهوم جدیدی که محصول جدایی کار از خانه، پیشرفت‌های فناورانه و تقسیم کار اجتماعی است، این فرصت را مهیا کرد که انسان - هر چند به مدتی اندک) از اجبارها و محدودیت‌های نظم اجتماعی مدرن رها شود (کیویتسو، ۱۳۸۰: ۸۰). در نتیجه سبب شده است تا زمان‌هایی به نام فراغت پدید آید.

بنابراین، فراغت پدیده‌ای است که با تمدن صنعتی پیوند دارد. در چنین تمدنی، دو شرط لازم برای پیدایش فراغت تحقق یافته است: نخست، کار از شکل اجبار فرهنگی و اجتماعی به در آمده، شکل مسؤلیت آزاد فرد را دارد. شرط دوم، جدا شدن کار از فعالیت‌های دیگر انسان است. سازمان یافتگی کار به شکلی است که چه از لحاظ عملی و چه از جنبه‌ی نظری از وقت آزاد، جدا شده است. از نظر دومازیه این دو شرط ضروری، تنها در زندگی اجتماعی تمدن‌های صنعتی و پس از صنعت وجود دارد و نبود آنها در تمدن‌های باستانی سنتی به معنای نبود فراغت است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۶۴). دسته‌بندی‌های مختلف و جالب توجهی از فعالیت‌های فراغتی انجام شده است. برای مثال، فلچر و همکارانش فعالیت‌های فراغتی را در دو گروه ساخت یافته^۴ و ساخت نیافته^۱

¹ Leisure Time

² Sociology of Leisure

³ Anthropology of Leisure

⁴ Structured

در مطالعات پژوهشی است.

عواملی که بر نوع انتخاب افراد از چگونگی صرف وقت در هنگام فراغت تأثیر می‌گذارند، بسیارند. دسته‌ی اول این عوامل به خود فرد ارتباط دارند؛ اینکه فرد در چه مرحله‌ای از زندگی قرار دارد، نیازهایش کدامند، دارای چه علایقی است، نگرش‌هایش کدامند، چه توانایی‌هایی دارد، شرایط رشدش چگونه بوده است و چه شخصیتی دارد؛ دسته‌ی دوم این عوامل به محیط و شرایط مرتبط می‌شود که فرد در آنها قرار دارد: بافت اجتماعی که فرد نیز جزئی از آن است، زمانی که در اختیار دارد، و نیز شغل و درآمدش. که تورکیدسن از آن با عنوان عوامل اجتماعی و محیطی یاد می‌کند؛ دسته‌ی سوم این عوامل نیز به موقعیت‌ها و خدماتی که در اختیار فرد قرار دارند؛ از جمله منابع، تسهیلات، برنامه‌ها، فعالیت‌ها و نحوه‌ی مدیریت آنها مربوط می‌شود (تورکیدسن، ۱۳۸۲: ۱۷۲).

با توجه به مباحث بالا و از آنجایی که نحوه‌ی گذران اوقات فراغت تحت تأثیر عوامل گوناگون فردی، اجتماعی- محیطی و موقعیتی قرار دارد، در این تحقیق کوشیده‌ایم عوامل اجتماعی مؤثر (جنسیت، سن، وضعیت تأهل، محل زندگی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی) بر اوقات فراغت را بررسی کنیم.

استان مازندران به عنوان یکی از قطب‌های بزرگ کشور در گذران اوقات فراغت تلقی می‌شود و سالانه مسافران زیادی برای تفریح و گذران اوقات فراغت به این استان سفر می‌کنند و جویبار به عنوان یکی از شهرستان‌های ساحلی این استان، از این قاعده مستثنا نیست و از آنجایی که این شهرستان به عنوان قطب کشتی کشور محسوب می‌گردد و همچنین نظر به اینکه نفوذ عناصر و تکنولوژی‌های مدرن، مانند رسانه‌های دیداری و شنیداری، ماهواره و اینترنت و

تقسیم‌بندی کرده‌اند. لیونگ و لی، فعالیت‌های فراغتی را به دو دسته‌ی مردم محور^۲ و مکان محور^۳ تقسیم کرده‌اند (فیضی، ۱۳۸۶: ۲۴). در این مقاله فراغت به دو بعد فعال^۴ و غیر فعال^۵ تقسیم شده است. فعالیت‌های اوقات فراغت فعال، فعالیت‌هایی هستند که شامل صرف انرژی فیزیکی و ذهنی می‌شوند؛ مثل پیاده روی، فوتبال، بازی شطرنج و فعالیت‌های اوقات فراغت غیر فعال آنهایی هستند که فرد هیچ انرژی ذهنی یا فیزیکی اعمال نمی‌کند؛ مثل رفتن به سینما، تماشای تلویزیون و ... (نیولینگر، ۱۹۸۱).

امروزه فراغت در کشورهای در حال توسعه نیز تا اندازه‌ی زیادی به فراغت در جوامع صنعتی مانند شده است و از آنجا که گاه در این نوع جوامع نیز همچون جوامع صنعتی خصوصیات عمده‌ی فراغت (فاصله گرفتن از اجبارهای اجتماعی- فرهنگی و جدا شدن آن از سایر فعالیت‌ها) و همچنین، عواملی چون «افزایش یافتن این اوقات به علت ممنوعیت کار کودکان، آموزش اجباری و رایگان و افزایش تدریجی سال‌های تحصیل و تأخیر انداختن هرچه بیشتر سن متوسط ورود به بازار کار، افزایش امید زندگی، افزایش سن ازدواج و بهبود زندگی»، به چشم می‌خورد، در نتیجه، برای افراد این جوامع نیز وقت فراغت ایجاد شده است؛ حتی در جوامع روستایی و کشاورزی که به سمت شیوه‌های صنعتی شدن و ارزش‌های شهری گرایش پیدا کرده‌اند، نیز وقت فراغت به وجود آمده است. با توجه به آنچه گفته شد در کشورهایی نظیر ایران - که کشوری در حال توسعه است - و نیز شهرستان‌های مختلف آن، چون جویبار زمان فراغت به چشم می‌خورد که خود موضوع مهمی

¹ Unstructured

² People-Centered

³ Place-Centered

⁴ Active Leisure

⁵ Passive Leisure

- تپیا (۱۳۸۸)، به تحقیقی با عنوان « بررسی پایگاه اجتماعی- اقتصادی و چگونگی گذران اوقات فراغت در بین دانشجویان جوان (۲۹-۱۸ سال) دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی» پرداخت. نتایج به این صورت است که بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و انواع فراغت با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۴ رابطه وجود دارد؛ به این شکل که هر چه پایگاه اجتماعی- اقتصادی دانشجویان بالاتر باشد، از مقدار انواع فراغت آنها کاسته می‌شود.

- جی لی و بارگاو^۱ (۲۰۰۴)، در تحقیقی به این نتایج دست یافتند که افراد متأهل زمان کمتری را به فعالیت‌های اوقات فراغت نسبت به افراد مجرد اختصاص می‌دهند. در میان عامل‌های اجتماعی- جمعیتی، درآمد، اشتغال، سن، جنس و نژاد، عامل‌های مؤثری در استفاده از اوقات فراغت هستند.

- مطالعات دیگری که توسط (واگنر^۲، ۲۰۰۶) انجام شد، نشان دهنده‌ی آن است که متغیرهای جمعیتی و پایگاه اجتماعی نقش مهمی در اوقات فراغت افراد دارد. یکی از نتایج مهم در تحقیقات این پژوهشگران تفاوت بین دو جنس در انجام اوقات فراغت و تأثیر اجبارهای اجتماعی مؤثر بر روی رفتارهای اجتماعی آنهاست.

اوقات فراغت به گروه ویژه‌ای اختصاص ندارد و در میان اقشار و گروه‌های مختلف جنسی، سنی و غیره، متفاوت است و از سنین کودکی شروع شده تا هنگام پیری و باز نشستگی تداوم پیدا می‌کند. همچنین نحوه‌ی گذران اوقات فراغت در میان گروه‌های گوناگون اجتماعی، متفاوت است. با این حال، اکثر تحقیقات انجام شده به بررسی اوقات فراغت جوانان پرداخته و گروه‌های سنی دیگر را مدنظر قرار نداده‌اند.

غیره به قلب دورافتاده‌ترین و سنتی‌ترین جوامع، نگرش و رفتارهای اعضای گروه‌های اجتماعی را تغییر داده است، لذا مناطق شهری و روستایی شهرستان جویبار به دلیل وجود همزمان عناصر مدرن و سنتی به عنوان جامعه‌ی آماری پژوهش انتخاب شده است. با توجه به ویژگی‌های ذکر شده، در صدد پاسخ به این پرسش هستیم که افراد بیشتر به کدام نوع از اوقات فراغت (فعال یا غیر فعال) می‌پردازند؟ و عوامل اجتماعی منتخب چه تأثیری بر اوقات فراغت افراد دارند؟

مروری بر مطالعات پیشین

مطالعات انجام شده درباره‌ی اوقات فراغت در خارج از کشور فراوان، اما در داخل کشور پژوهش‌های انجام شده محدود است و هنوز جای تحقیقات فراوان درباره‌ی ابعاد مختلف این پدیده وجود دارد. در این قسمت، در ابتدا به برخی از تحقیقات عمده‌ی انجام شده در داخل و سپس به تحقیقات خارجی پرداخته شده است.

- ابراهیمی و بهنوئی گدنه (۱۳۸۸) در تحقیقی که در بین جوانان شهر بابلسر پرداختند، دریافتند که، متغیرهای پایگاه اجتماعی- اقتصادی و میزان تحصیلات جوانان، با گذران اوقات فراغت آنان همبستگی دارند. بعلاوه، میزان گرایش پسران به انجام فعالیت‌های زمان فراغت، بیش از دختران است.

- ربانی و شیری (۱۳۸۸)، به تحقیقی با عنوان «اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه‌شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران» پرداختند. نتایج بیانگر نقش تعیین کننده‌ی «طبقه‌ی اجتماعی» و ترکیب همزمان «جنسیت» با طبقه‌ی اجتماعی در خطوط تمایز و تفاوت الگوهای گذران اوقات فراغت است.

¹ G.Lee & Bhargava

² Wegner

تحلیل‌های سبک زندگی است (ربانی و شیری، ۱۳۸۸: ۲۱۰). از آنجایی که اوقات فراغت و نحوه‌ی گذران آن یکی از شاخص‌های اساسی سبک زندگی^۱ به شمار می‌رود و به بیان دیگر، شیوه‌ی زندگی افراد معمولاً خود را در گذران اوقات فراغت نشان می‌دهد، در دنیای جدید این ماکس وبر بود که با طرح گروه‌های منزلتی، راه را برای مطالعات سبک زندگی و اهمیت دادن به آن باز کرد. پس از او، ویلن با طرح مصرف تظاهری بررسی‌های جدید سبک زندگی و فراغت طبقات تن آسان را مطرح کرد. نقطه‌ی اتصال این سنت وبر- ویلنی در خصوص سبک زندگی، نظریات سبک زندگی و فراغتی بوردیو است (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت از آنجایی که اوقات فراغت یکی از مؤلفه‌های اصلی سبک زندگی است، نظریه و نظریه پردازان سبک زندگی، بهترین چارچوب نظری را برای بررسی اوقات فراغت ارائه می‌دهند و لذا در این پژوهش، آراء یکی از مشهورترین نظریه پردازان سبک زندگی، یعنی پی‌یر بوردیو به عنوان چارچوب راهنمای مطالعه‌ی تجربی اوقات فراغت استفاده می‌شود؛ ضمن اینکه به منظور بررسی تأثیر جنسیت بر اوقات فراغت، به دیدگاه فمینیسم نیز اشاره می‌شود.

چارچوب نظری

رویکرد فمینیسم

شماری از کسانی که در زمینه‌ی اوقات فراغت بر روی مسائل فمینیستی کار کرده‌اند، به طور متقاعدکننده‌ای استدلال می‌کنند که اوقات فراغت برای مردان و زنان معنای متفاوتی دارد. بیشتر پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی اوقات فراغت انجام گرفته بازتاب

همچنین، در تحقیقات پیشین، اوقات فراغت در روستاها بررسی نشده است، در نتیجه، در این پژوهش، اوقات فراغت روستاییان علاوه بر اوقات فراغت ساکنان شهری و گروه‌های مختلف سنی از جوان تا کهنسال مورد توجه قرار گرفته است تا امکان مقایسه‌ی فعالیت‌های فراغتی در شهر و روستا و گروه‌های متفاوت سنی فراهم گردد. بنابراین، در مقاله‌ی حاضر، موضوع اوقات فراغت از نظر سنجش با عمق بیشتر و در ارتباط با گروه‌های متفاوت اجتماعی، مثل گروه‌های جوان و غیر جوان، شهری و روستایی، زنان و مردان و غیره بررسی می‌شود.

مبانی نظری اوقات فراغت

در آثار بنیانگذاران جامعه‌شناسی، بحث‌های مربوط به فراغت به صورت غیرمستقیم بیان شده است. جامعه‌شناسان معاصر در آثار مارکس در خصوص کارگر از خود بیگانه شده، اشاراتی درباره‌ی موضوع فراغت یافته‌اند. دورکیم نیز در مطالعه‌ی فرآیند پیدایش اشکال پیچیده‌ی تقسیم کار، بحث فردی شدن فراغت را مطرح نموده است. همچنین وبر در آثارش به بوروکراتیک شدن فراغت اشاره می‌کند. باید گفت که مفهوم سبک زندگی مطرح شده توسط وبر شبیه نظرهای تورنشتاین ویلن است که رفتار فراغتی را به عنوان شیوه‌ی تمایز جستن مطرح می‌کند (کوهستانی، ۱۳۷۸: ۵۶). همین طور زیمل هنگامی که درباره‌ی پدیده‌ی شهرنشینی و فضای فرهنگی مرتبط با آن بحث می‌کند، به طور ضمنی به این موضوع می‌پردازد (ربانی و رستگار، ۱۳۸۷: ۴۷).

یکی از عرصه‌های انتخاب آزادانه‌ی فردی و عرصه‌ی قابل مشاهده‌ی زندگی که حوزه‌ی مهمی در مطالعات سبک زندگی محسوب می‌شود، حوزه‌ی فراغت است. حوزه‌ی فراغت اصلی‌ترین حوزه‌ی

^۱ Life Style

مناسب تعریف شده باشد.» در محدوده‌ی بررسی‌های فمینیستی، اوقات فراغت به عنوان جایگاهی برای پدرسالاری به حساب می‌آید. غالباً خود زنان با قبول این موضوع که مردان «کارهای واقعی» انجام می‌دهند، باعث گسترش اندیشه‌ی پدرسالاری می‌شوند و به مردان حق می‌دهند که اوقات فراغت داشته باشند (دیکسی و تالبوت^۵، ۱۹۸۲).

در واقع، پژوهش‌ها نشان داده است که بسیاری از زنان از داشتن وقت آزاد و درگیر کردن خود در فعالیت‌های اوقات فراغت احساس گناه می‌کنند. در نتیجه، گوش دادن به رادیو یا تماشای تلویزیون باید با انجام کارهای اضافی خانه مانند اطو کشیدن، شست و شو یا کارهای بافتنی همراه باشد. تحت انقیاد درآوردن زنان از طریق اندیشه‌هایی در مورد انجام کارهای خانه و روابط مربوط به مراقبت از کودکان عملی می‌گردد (هیوود و همکاران، ۱۳۸۱:۳۶۵). زنان در صورت‌های مختلفی از فراغت مشارکت می‌جویند و تجربه‌ی فراغت زنان، نسبت به فراغت مردان، موضعی حساس و انتقادی دارد، اما ساختمان جنسیتی فراگیر است و نابرابری‌های جنسی در بسیاری از انتظارات و وابستگی‌های آشکار و پنهان مربوط به فراغت زنان دیده می‌شود.

پی‌یر بوردیو

سلیقه‌های افراد در مصرف فرهنگی در کنار فعالیت‌های فراغت و الگوهای مصرف، از اصلی‌ترین شاخص‌های مورد استفاده در مطالعات سبک زندگی است (شفیعی، ۱۳۸۷:۱۴۴). در هیچ جایی به اندازه‌ی کتاب تمایز در مورد فعالیت‌های گذران اوقات فراغت بحث نشده است (وین^۶، ۱۹۹۸:۲۹). بوردیو در این

تجربه‌ی مردان در مورد اشکال و فعالیت‌های اوقات فراغت است (هیوود و همکاران، ۱۳۸۱:۳۶۱).

رویکردهای فمینیستی در زمینه‌ی تأثیر جنسیت بر فراغت، از رویکردهای طبقاتی پیروی می‌کنند و مالکیت و دسترسی به دارایی را محور کار خود قرار می‌دهند (گرین^۱، ۱۹۹۰)، اما در اینجا دارایی اصلاً بر حسب مالکیت اقتصادی یا سرمایه‌ی فرهنگی فهمیده نمی‌شود، بلکه در سطح مادی‌تر از جنسیت مطرح است. ساختمان جنسیت^۲ با نوعی تقسیم‌بندی جنسی^۳ و اجتماعی کار مرتبط است که در آن زنان در موقعیت کارگران خانگی و مدیران عاطفی برتر قرار گرفته‌اند. به این ترتیب، جنسیت به گونه‌ای عمل می‌کند که منابع سرمایه‌ای اقتصادی و فرهنگی را به تحکیم قدرت تخصیص می‌دهد.

نقش زنان در خانواده، به خصوص اهمیتی که به فرزندزایی و پرورش فرزند داده می‌شود، موانعی در مقابل مشارکت مساوی دو جنس در فراغت قرار می‌دهد. ساختمان جنسیتی، در چارچوب نوعی نظام محدودیت‌های درونی و بیرونی کار می‌کند. از لحاظ درونی، شکل‌گیری هویت زنان درباره‌ی فراغت، بر اهمیت و ارجحیت ظاهر جسمانی مبتنی است و به نوعی حق نابرابر در بهره‌گیری از فراغت توسط آنها و مردان استوار است. از لحاظ بیرونی، مشارکت زنان در فراغت، در مقایسه با مردان هم‌طبقه، به دلیل کمبود زمان و پول محدود می‌شود (روچک، ۱۳۸۸:۱۱۱).

کلارک و کریتچر^۴ (۱۹۸۵:۱۶۰)، معتقدند: «از زنان انتظار می‌رود (و خود آنها نیز انتظار دارند) در آن دسته از فعالیت‌های فراغتی مشارکت جویند که در زمان و مکان سازگار با نقش‌های تثبیت شده‌ی آنها

¹ Green

² Gender

³ Sexual

⁴ Clark and Critcher

⁵ Dixie and Talbot

⁶ Wynne

و سبک زندگی به وجود آورد. او به عرصه و میدان توجه می‌کند. مطابق با هر میدان، سرمایه‌هایی شکل می‌گیرد، که سبک زندگی گوناگونی را به صورت عادتواره به وجود می‌آورد (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۷:۱۴۱). میدان در نظریه‌ی بوردیو، پهنه‌ی اجتماعی کم و بیش محدودی است که در آن تعداد زیادی از بازیگران یا کنشگران اجتماعی با منش‌های تعریف شده و توانایی‌هایی سرمایه‌ای وارد عمل می‌شوند و به رقابت، همگرایی یا مبارزه با یکدیگر می‌پردازند تا بتوانند به حداکثر امتیازات دست یابند. جامعه در واقع از تعداد بی‌شماری میدان تشکیل شده است: میدان دانشگاهی، هنری، صنعت و تجارت، حکومت، رسانه‌ها و (فکوهی، ۱۳۸۴:۱۴۵).

وجود اشکال متفاوت «سرمایه» فراهم کننده‌ی ساختاری بنیادین برای سازماندهی عرصه‌ها و به این ترتیب، شکل‌گیری انواع مختلف منش و کنش‌های مرتبط به آنهاست. بوردیو ادعا می‌کند «سرمایه جز در ارتباط با یک عرصه وجود و کارکرد ندارد» (جلائی پور و محمدی، ۱۳۸۷:۳۲۰). منش مجموعه‌ای از خلق و خواهی‌های فراهم آمده در شخصیت کنشگر است که نحوه‌ی مواجهه‌ی او با موقعیت‌های مختلف را جهت می‌بخشد (بوردیو، ۲۰۰۲:۱۸). به تعبیر پی‌یر بوردیو "اگر در صدد فهم جهان اجتماعی هستیم، باید ایده‌ی سرمایه، انباشت آن و تأثیرات آن را مجدداً به جهان اجتماعی معرفی کنیم." به اعتقاد بوردیو، سرمایه می‌تواند دارای اشکال مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد (شارع پور و خوشفر، ۱۳۸۱:۱۳۴).

۱- سرمایه‌ی اقتصادی: درآمد پولی و سایر منابع مالی و دارایی‌ها و نیز تجلی نهادی آن؛ یعنی حقوق مالی را در بر می‌گیرد.

کتاب نوعی جامعه‌شناسی سلیقه را ارائه می‌دهد و بر نقش زمینه‌ها و عوامل اجتماعی در شکل‌گیری ذائقه‌های زیبایی شناختی تأکید می‌کند. بوردیو همچنین به سبک زندگی به عنوان ابزاری برای نشان دادن تمایز اجتماعی توجه می‌کند (استوری، ۱۳۸۶). وی بیان می‌کند که تمایزات اجتماعی می‌توانند در طیف متنوعی از فعالیت‌های اجتماعی مشاهده شوند که این اعمال به طور سنتی با تفریحاتی، از قبیل چگونگی گذران تعطیلات، ورزش، مطالعه، موسیقی، به سینما رفتن و دیگر اعمال انتخابی مرتبط هستند (وین، ۱۹۹۸:۲۹).

مفهوم سبک زندگی توسط بوردیو جهت‌گیری‌های نوینی پیدا کرده و در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی باز تحلیل شده است. بوردیو پیش‌بینی جدید خود را بر مبنای ترکیب و بازنگری نظریات مارکس و وبر صورت‌بندی می‌کند (ربانی و شیری، ۱۳۸۸:۲۱۳). نظریه‌ی مارکس در تحلیل نقش وجوه مادی تولید در شکل دادن به ساختار اجتماعی و جایگاه افراد در آن بسیار توانمند است. نظریه‌ی وبر با روشن ساختن چگونگی تأثیرگذاردن عوامل غیراقتصادی در جایگاه فرد در ساختار اجتماعی، به نوعی تکمیل کننده‌ی این نظریه است. نظریه‌ی بوردیو به نحوی تحسین برانگیز، این هر دو را در یک نظام نظری منسجم تلفیق کرده است. تحلیل سبک زندگی در نظریه‌ی بوردیو، در قیاس با نظریات دیگر، به لحاظ قدرت تبیینی و در نظر گرفتن عوامل مختلف و در عین حال، انعطاف پذیر نسبت به شرایط اجتماعی متفاوت دارای مزیت‌های متعددی است که جامعیت و عدم تقلیل‌گرایی از آن جمله‌اند (اسمیت، ۱۳۸۳:۳۹).

بوردیو دیدگاه جدیدی را در عرصه اوقات فراغت

گروه‌های سنی مختلف در جامعه‌ی ما دارای سبک زندگی متفاوت هستند و میزان و نوع فراغت‌های آنها تغییر می‌کند، بنابراین، وضعیت تأهل و سن به عنوان متغیر مستقل مؤثر بر اوقات فراغت بررسی شده‌اند.

با توجه به نظریه بوردیو، شاخص‌های زیر برای هر کدام از سرمایه‌ها در نظر گرفته شده است:

۱- پایگاه اجتماعی - اقتصادی و درآمد برای سرمایه‌ی اقتصادی؛

۲- محل زندگی فرد شاخصی برای سرمایه‌ی اجتماعی؛

۳- میزان تحصیلات پاسخگو، تحصیلات پدر و مادر شاخصی برای سرمایه‌ی فرهنگی؛ (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۷: ۱۴۱).

فرضیه‌های تحقیق

شایان ذکر است که فرضیه (۱) از دیدگاه فمینیسم اخذ شده، فرضیه‌های (۳ و ۲) از مطالعات پیشین اقتباس شده و فرضیه‌های (۵ و ۴) از نظریه بوردیو گرفته شده است.

۱- اوقات فراغت بر حسب جنسیت متفاوت است؛ به این شکل که زنان از فراغت کمتری نسبت به مردان برخوردارند.

۲- اوقات فراغت بر حسب وضعیت تأهل متفاوت است؛ به این شکل که مجردان فراغت بیشتری نسبت به متأهلان دارند.

۳- اوقات فراغت بر حسب گروه‌های سنی گوناگون، متفاوت است؛ به این شکل که جوانان از فراغت بیشتری نسبت به افراد مسن برخوردارند.

۴- اوقات فراغت بر حسب محل سکونت متفاوت است؛ به این شکل که افراد ساکن در شهر فراغت بیشتر و غیر فعالتری نسبت به ساکنان روستایی دارند.

۲- سرمایه‌ی فرهنگی: گرایش‌ها و عادات دیر پا که در طی فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و نیز اهداف فرهنگی ارزشمند، نظیر صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی را شامل می‌شود.

۳- سرمایه‌ی اجتماعی: مجموع منافع بالفعل و بالقوه که کنشگران از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌ها به دست می‌آورند (آنهیر^۱ و دیگران، ۱۹۹۵).

بر مبنای دیدگاه بوردیو، گذران اوقات فراغت می‌تواند بیانگر سبک زندگی و ذائقه‌های خاص باشد که به متمایز شدن افراد از یکدیگر منجر شود. در واقع، یکی از کارکردهای اوقات فراغت، تمایز بخشی است. بوردیو برای تبیین نظریه‌ی خود از مفهومی به نام ذائقه سود می‌جوید. (ذائقه؛ عملکردی است که یکی از کارکردهایش این است که به افراد ادراکی از جایگاهشان در نظام اجتماعی می‌دهد (کوزر، ۱۳۸۴: ۷۲۷)). به معنای دقیق‌تر باید گفت مصرف، اجازه‌ی بازنمایی سبک‌های زندگی مختلف و ذائقه‌های مختلف را می‌دهد و نهایتاً اینکه سبک‌های زندگی و ذائقه‌هایی که بر مبنای سرمایه‌های بالا شکل می‌گیرند، به مصرف کالاهایی می‌انجامد که تمایز اجتماعی ایجاد می‌کند. این منطق تمایز در مصرف، در کانون توجه بوردیو قرار دارد (ساترتون^۲، ۲۰۰۱).

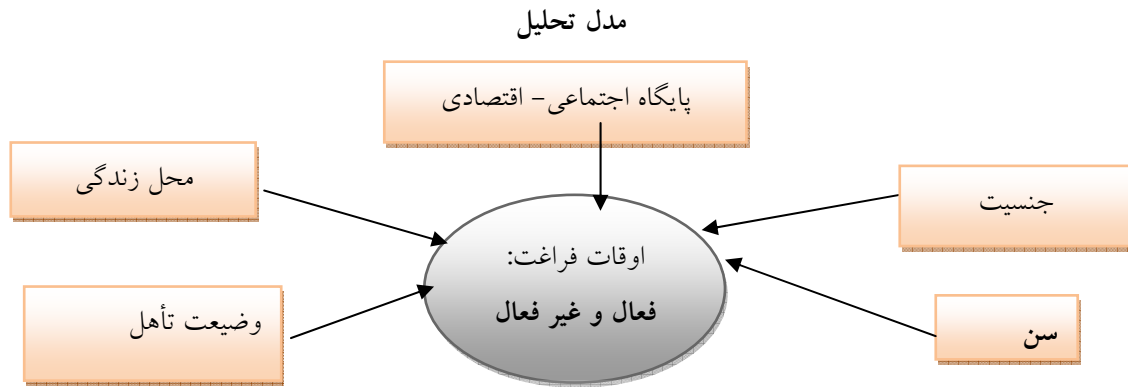
به نظر بوردیو، انتخاب‌هایی که افراد در مورد گزینه‌های فراغت انجام می‌دهند، اساساً اجتماعی است و مردم سبک‌های زندگی و فعالیت‌های فراغتی را می‌آموزند و با توجه به سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، نحوه‌ی گذران اوقات فراغت متفاوت است. بعلاوه، چون مجردان و متأهلان و همچنین

¹ Anherier

² Southerton

به افراد با پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین‌تر برخوردارند.

۵- اوقات فراغت بر حسب پایگاه اجتماعی- اقتصادی متفاوت است؛ به این شکل که افراد با پایگاه اجتماعی- اقتصادی بالاتر، از فراغت بیشتری نسبت



انتخاب نمونه، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای اجرا شد؛ به این شکل که در مرحله اول جمعیت روستا و شهر از هم تفکیک شدند و در مرحله بعد با توجه به مناطق شهری و تعداد روستاها، نمونه‌ای به حجم ۵۱۰ نفر بر اساس فرمول کوکران و به تفکیک جنس انتخاب شد. داده‌های پژوهش، با کمک SPSS تجزیه و تحلیل شده، همچنین از آمارهای توصیفی (شامل: جداول فراوانی) و استنباطی (شامل: آزمون تی-تست، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون) استفاده شده است.

اعتبار^۱ و روایی^۲ تحقیق

اعتبار در واقع به بررسی این پرسش می‌پردازد که فرد آن چیزی را که فکر می‌کند اندازه می‌گیرد، اندازه‌گیری می‌کند یا نه؟ (قاضی طباطبایی، ۱۳۷۶: ۱۳). در این تحقیق، برای تعیین اعتبار ابزار تحقیق (پرسشنامه) از روش اعتبار صوری که نوعی اعتبار محتوایی است

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر، پیمایشی است که یکی از متداول‌ترین روش‌های تحقیق در مطالعات کمی به‌شمار می‌رود. واحد تحلیل در این تحقیق «فرد» پاسخگو و سطح تحلیل نیز خرد است.

ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است. برای تهیه پرسشنامه‌ی تحقیق، شاخص‌های مربوط به هر کدام از متغیرهای تحقیق استخراج و هر شاخص متناسب با سطح سنجش، با استفاده از طیف خاصی مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

جامعه‌ی آماری این تحقیق را کلیه‌ی افراد ساکن شهرستان جویبار که در دامنه‌ی سنی ۶۴- ۱۵ سال واقع شده‌اند، تشکیل می‌دهند. مجموع کل افراد واقع در سنین ۶۴- ۱۵ سال شهرستان جویبار بر اساس نتایج آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵ برابر با ۴۹۹۶۷ نفر بوده، از این تعداد، ۲۴۶۴۲ نفر مرد و ۲۵۳۲۵ نفر زن، ۲۰۹۲۳ نفر شهری و ۲۹۰۴۴ نفر روستایی هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). برای

¹ Validity

² Reliability

برای ارزیابی و سنجش پایایی تحقیق با استفاده از آلفای کرونباخ، پرسشنامه در نمونه‌ای به حجم ۵۰ نفر از افراد به تفکیک جنس اجرا شد که نتایج به دست آمده از این پیش‌آزمون در جدول شماره یک آمده است.

تعریف عملیاتی متغیر وابسته

تدوین شاخص‌ها بر مبنای مشاهدات محقق و پژوهش‌هایی از قبیل بوردیو (۱۹۸۴)، شفیع (۱۳۸۳)، فکوهی (۱۳۸۲)، تورکیدسن، (۲۰۰۱)، پارکر، (۱۹۷۶)، روبرتس (۱۹۹۹)، گرین و همکاران (۲۰۰۶) و هیوود و همکاران (۱۳۸۱) بوده است.

گویه‌های مربوط به اوقات فراغت بر اساس طیف لیکرت تنظیم گردید که برای هر گویه پنج پاسخ (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و اصلاً) در نظر گرفته شده است.

استفاده شده است. منظور از اعتبار صوری میزان توافق متخصصان یک امر با یک شاخص یا معیار است (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۲۸۷). بدین منظور، از نظریات متخصصان و کارشناسان جامعه‌شناسی در زمینه‌ی منطبق بودن محتوای سؤال‌ها با ویژگی‌های مورد انتظار استفاده شده است. همچنین، علاوه بر اعتبار صوری، به منظور شناسایی دقیق اندازه‌گیری از اعتبار سازه نیز استفاده شده است. در این شیوه ارزیابی نتیجه بر حسب مطابقت آن با انتظارات نظری صورت می‌گیرد (دواس، ۱۳۸۳: ۶۴). شایان ذکر است که در ساختن سؤال‌ها و گویه‌های هر بعد از اوقات فراغت و عوامل اجتماعی، علاوه بر تحقیقات قبلی از مبنای نظری پژوهش نیز کمک گرفته شده است.

در این تحقیق، پس از سنجش مفهوم اوقات فراغت ضمن استفاده از آراء و تحقیقات دیگران (نیولینگر، ۱۹۸۱ و رضوانی و سینه چی، ۱۳۸۶) چهارچوب مفهومی اوقات فراغت بر اساس تفکیک آن به فعال و غیرفعال انتخاب شده است.

جدول شماره ۱- ضریب آلفای کرونباخ برای گویه‌های مربوط به مفهوم اوقات فراغت (متغیر وابسته)

مفهوم	ابعاد	تعداد گویه	مقیاس	آلفای کرونباخ
اوقات فراغت	فعال	۲۷	ترتیبی	۰/۸۹
	غیر فعال	۴۰	ترتیبی	۰/۹۰
اوقات فراغت کل				۰/۹۳

جدول شماره ۲- فرآیند شاخص سازی اوقات فراغت فعال و گویه‌های آن

متغیر	ابعاد	شاخص‌ها
فعالیت‌های اوقات فراغت	فعال	رفتن به پارک، شرکت در مهمانی، شرکت در سمینارها و نشست‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی، ورزش یا تفریح گروهی در خارج از خانه، ورزش یا تفریح فردی در خارج از خانه، ورزش یا تفریح در اماکن مختص آنها، شرکت در فعالیت‌های سازمان‌ها و انجمن‌های غیردولتی، گردش و تفریح با خانواده، گردش و تفریح با دوستان، رفتن به کتابخانه عمومی، قدم زدن در بازارها و فروشگاه‌ها، رفتن به مسجد، بازدید از نقاط ساحلی، بازدید از منابع فرهنگی، بازدید از منابع طبیعی، زیارت اماکن مقدس، مسافرت با خانواده، مسافرت با دوستان به صورت مجردی، شرکت در جلسات قرآن و روضه در خارج از خانه، شرکت در برنامه‌های نذری، هنرهای دستی، سرگرمی‌های خاص (گردآوری تمبر، نوشتن خاطرات و ..)، نگهداری از حیوانات، پرورش گل و گیاه خانگی، بازی‌های فکری (شطرنج و ..) و خرید رفتن

جدول شماره ۳- فرآیند شاخص سازی اوقات فراغت غیر فعال و گویه‌های آن

متغیر	ابعاد	شاخص‌ها
فعالیت‌های اوقات فراغت	غیر فعال	آرمیدن و فکر کردن، گفتگوی تلفنی، مطالعه آزاد (نشریات، جراید، داستان، شعر و ...)، گفتگوهای اینترنتی (chat) - نامه‌نگاری اینترنتی (email)، استفاده از اخبار اینترنتی، بازی‌های رایانه‌ای، صحبت کردن با افراد خانواده، عکاسی و ماشین‌رانی. گوش دادن به برنامه‌های رادیویی (اخبار و تفسیرهای خبری، موسیقی و سرود، برنامه‌های تفریحی، گزارش‌های علمی، گزارش‌های سیاسی و اقتصادی، برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی، برنامه‌های مذهبی، برنامه‌های رادیو پیام، برنامه‌های ورزشی) تماشای برنامه‌های تلویزیون (اخبار و تفسیرهای خبری، موسیقی و سرود، برنامه‌های تفریحی، گزارش‌های علمی، گزارش‌های سیاسی و اقتصادی، برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی، برنامه‌های مذهبی، سریال‌های خانوادگی، سریال‌های طنز و خنده دار، فیلم‌های خارجی، فیلم‌های ایرانی و برنامه‌های ورزشی) تماشای برنامه‌های ماهواره (برنامه‌های علمی، سریال‌های ایرانی، سریال‌های خارجی، فیلم‌های سینمایی ایرانی، فیلم‌های سینمایی خارجی، اخبار، برنامه‌های ورزشی، موسیقی، تبلیغات و شو).

یافته‌های پژوهش

الف) توصیف یافته‌ها

بررسی‌های توصیفی، آمارهای ساده، ولی اولیه را فراهم می‌کند که می‌توان تحلیل‌های تبیینی را بر اساس آنها انجام داد. همچنین، آمارهای توصیفی می‌تواند به شناخت کامل‌تر جامعه‌ی مورد بررسی کمک کند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که نسبت پاسخگویان دختر (۴۹/۴۸) و پسر (۵۰/۲) نسبتاً برابر است. از نظر سنی ۴۷/۸ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۲۹-۱۵ سال و ۳۸/۸ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۴۹-۳۰ سال قرار دارند و ۱۳/۳ درصد در گروه سنی ۶۴-۵۰ سال قرار دارند. لذا بیشتر پاسخگویان (۴۷/۸) در گروه سنی ۲۹-۱۵ قرار دارند. میانگین سن پاسخگویان نیز تقریباً ۳۳ سال است. از نظر محل زندگی ۵۸/۸ درصد در روستا و ۴۱/۲ درصد در شهر زندگی می‌کنند و از نظر وضعیت تأهل ۳۲/۷ درصد افراد مجرد و ۶۷/۳ درصد افراد متأهل هستند.

برای تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان از سه بعد: درآمد خانواده، شغل پدر و مادر و میزان تحصیلات پدر و مادر استفاده شده است. بعد شغل بر اساس نمره‌ی منزلت شغلی (نایی، ۱۳۸۱) به‌دست آمده و نهایتاً پس از استاندارد کردن ابعاد سه گانه‌ی فوق و ترکیب کردن آنها با هم، متغیر مورد نظر به‌دست آمده است.

از نظر پایگاه اجتماعی - اقتصادی ۶۰/۱۹ درصد از پاسخگویان در گروه پایین، ۲۹/۶ درصد در گروه متوسط و ۵/۸۸ درصد در گروه بالا قرار دارند. همچنین، توزیع فراوانی پایگاه اجتماعی - اقتصادی میانگرن آن است که بیشتر پاسخگویان در پایگاه پایین (۳۰۷ نفر) قرار دارند و کمترین تعداد نمونه در پایگاه بالا (۳۰ نفر) قرار گرفته‌اند. میانگین پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان نیز ۱/۹۳ از ۴ است که نشان دهنده‌ی پایگاه نسبتاً متوسط پاسخگویان است.

جدول شماره ۴- میانگین اوقات فراغت پاسخگویان شهرستان جویبار

متغیر وابسته (اوقات فراغت)	میانگین از ۴
فراغت فعال	۱/۸۷
فراغت غیر فعال	۱/۴
اوقات فراغت کل	۱/۶۳

با توجه به جدول شماره (۴)، بررسی میانگین‌ها نشان می‌دهد میزان اوقات فراغت فعال بیشتر از اوقات فراغت غیر فعال است. از آنجا که بین شهر و روستای جامعه‌ی مورد نظر تفاوت چندانی از نظر امکانات وجود ندارد و از طرف دیگر، لازمه‌ی یک زندگی با

ویژگی‌های روستایی، فعالیت‌های فیزیکی است، پس نوع فراغتی که افراد انتخاب می‌کنند، بیشتر فعال است تا غیر فعال.

همچنین بهره‌گیری از فناوری پیشرفته که باعث کاهش فعالیت‌های جسمانی در طی اوقات فراغت

می‌شود و در نتیجه موجب شیوه‌ی زندگی بدون تحرک است (رحمانی و دیگران، ۱۳۸۵) هنوز در شهرستان جویبار ایجاد نشده است. به طور کلی، میزان اوقات فراغت در شهرستان جویبار پایین‌تر از حد متوسط است. یکی از مسائل بسیار مهمی که در زندگی هم‌هی ما انسان‌ها و در کنار کار و فعالیت‌های روزانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اوقات فراغت و چگونگی گذران این اوقات در زمان بیکاری است. البته، شاید این مقوله از نظر بسیاری از افراد چندان مهم و باارزش تلقی نشود، اما به جرأت می‌توان گفت همان‌طور که نوع شغل و میزان دقت و توجه افراد به شغلشان در زمان انجام آن می‌تواند باعث رشد و توسعه‌ی جامعه شود، به همان نسبت چگونگی گذران اوقات فراغت و اختصاص دادن زمانی خاص به شکل درست و منطقی به این اوقات هم می‌تواند در جای خود باعث رشد و ارتقای تک تک افراد در زندگی شخصی و اجتماعی شود؛ البته، به آن شرط که اشخاص تعریف درستی از این اوقات داشته باشند (علوی زاده، ۱۳۸۵: ۶۲). از جهتی ضرورت توجه به فعالیت‌های فراغتی آنچنان که باید در فرهنگ مردم جا نیفتاده و نیز به علت مشکلات اقتصادی هنوز هزینه‌ی فعالیت‌های فراغتی در سبد هزینه‌های مصرفی خانوار ایرانی سهم درخور توجهی ندارد.

همچنانکه جدول (۵) نشان می‌دهد، گویه‌های «بودن در کنار خانواده» و «تماشای تلویزیون» از میانگین بیشتری نسبت به سایر گویه‌ها برخوردارند.

تحولات و دگرگونی‌های سریع صنعتی، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی فراوانی، از جمله در کم و کیف گذران اوقات فراغت به همراه داشته است. مثال، مکانیزه شدن صنایع و ایجاد امکانات رفاهی و نظایر آن موجب تغییر در سبک زندگی مردم و در نتیجه، اوقات فراغت آنها شده است. به همین جهت، گسترش روزافزون وسایل الکترونیکی، مانند رادیو، تلویزیون و مانند آن سهم بزرگی در گذران اوقات فراغت ایفا می‌کند. از دیگر عواملی که موجب رغبت خاص افراد به وسایل سمعی و بصری جدید چون رادیو و تلویزیون شده، امکانات محدود در حوزه‌ی فرهنگ کتبی (کتاب، روزنامه و مجله) است که سبب شده تا افراد به این‌گونه وسایل رو بیاورند؛ به طوری که کمتر شهر و روستایی را می‌بینیم که از رادیو و تلویزیون بهره‌مند نباشند. از جهتی، چون تماشای تلویزیون در درون خانواده صورت می‌گیرد، هرچند به حضور افراد در خانواده کمک می‌کند، اما در کیفیت روابط افراد خانواده تأثیر منفی دارد.

انتظار می‌رود با توجه به پیشرفت جوامع و پراکندگی وظایف خانواده، از میزان پرداختن افراد به فعالیت‌های فراغتی جمعی و خانوادگی مانند همنشینی و محاوره با خویشان و بودن در کنار خانواده و غیره کاسته شود ولی نتایج حاضر گویای آن است که در جامعه‌ی مورد نظر، افراد بیشتر به فعالیت‌های فراغتی خانوادگی می‌پردازند.

جدول شماره ۵- میانگین مهمترین گویه‌های اوقات فراغت بر حسب گروه‌های سنی، جنسیت و وضعیت تأهل

متغیر	گویه‌ها	میانگین از ۴
روستا	بودن در کنار خانواده	۳/۲۷
	تماشای تلویزیون	۳/۰۵
	تفریح با خانواده	۲/۴۲
	رفتن به مجلس جشن	۲/۳۹
	رفتن به مهمانی	۲/۳۵
شهر	بودن در کنار خانواده	۳/۳۲
	تماشای تلویزیون	۳/۰۳
	گردش در کنار دریا	۲/۵۴
	تفریح با خانواده	۲/۵۲
	گردش در طبیعت	۲/۴۸
مردان	بودن در کنار خانواده	۳/۱۱
	تماشای تلویزیون	۳/۰۲
	گردش در کنار دریا	۲/۵
	گردش در طبیعت	۲/۴۷
	تفریح با خانواده	۲/۳۸
زنان	بودن در کنار خانواده	۳/۴
	تماشای تلویزیون	۳/۰۸
	رفتن به مجلس جشن	۲/۵۴
	تفریح با خانواده	۲/۵۳
	خرید رفتن	۲/۴۳
مجردان	بودن در کنار خانواده	۳/۱
	تماشای تلویزیون	۳/۰۵
	گردش در طبیعت	۲/۶
	گردش در کنار دریا	۲/۵۹
	رفتن به مجلس جشن	۲/۵۲
متاهلان	بودن در کنار خانواده	۳/۳۳
	تماشای تلویزیون	۳/۰۵
	تفریح با خانواده	۲/۴۸
	مهمانی رفتن	۲/۳۸
	رفتن به مجلس جشن	۲/۳۴

پور آکردی، ۱۳۸۵:۱۵). در واقع، دید و بازدید و به مهمانی رفتن و مهمان پذیرفتن از پایدارترین سنن و عادات ایرانیان بوده، هنوز رواج فراوان دارد. در روستاها نوع مهم وقت گذارنی همین مهمانی‌هاست. بسط شهرنشینی و کاهش ابعاد خانواده و رشد روزافزون فردیت، هنوز نتوانسته است خوی دیرین مهمان دوستی را فرو نشاند. یکی دیگر از رایج‌ترین صورگذران اوقات فراغت، گردش در کنار دریا و طبیعت است. مساعد بودن آب و هوا و ساحلی بودن جامعه‌ی مورد مطالعه، از عوامل مهم رایج بودن این نوع از فراغت است.

ب) تحلیل یافته‌ها

بررسی‌های گوناگون درباره‌ی شیوه‌های گذران اوقات فراغت در ایران نشان می‌دهد که بیشتر اوقات ایرانیان در زمان خارج از کار به هم‌نشینی و مصاحبت و دید و بازدید می‌گذرد. پس، خانواده هنوز هم در ایران بسیاری از نیازهای ایرانیان را در زمینه‌ی «فراغت» برآورده می‌سازد و به طور کلی می‌توان گفت که اوقات فراغت ایرانی در چارچوب خانواده و در روابط خویشاوندی مطرح می‌شود. برخی از آداب و رسوم و سنت‌های خاص جامعه‌ی ایرانی نیز در شکل‌گیری «فراغت» در چارچوب روابط خویشاوندی به شدت مؤثر است. برای مثال، در جامعه‌ی ایرانی صله ارحام عملی ضروری تلقی می‌شود، سنتی که پیوندها و روابط خویشاوندی را تحکیم بخشیده، به گذران اوقات فراغت شکل ویژه‌ای می‌بخشد (مهدی

جدول شماره ۶- خروجی آزمون T برای مقایسه‌ی میانگین انواع اوقات فراغت مردان و زنان

متغیر	جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
فراغت فعال	مرد	۲۵۴	۵۱/۵۵	۱۵/۳۱	-۱/۴۷۶	۰/۱۴۱
	زن	۲۵۶	۵۳/۶۴	۱۶/۷۳		
فراغت غیر فعال	مرد	۲۵۴	۷۱/۷۶	۲۳/۲	۵/۴۴۸	۰/۰۰۰
	زن	۲۴۷	۶۰/۲۵	۲۴/۰۹		
فراغت کل	مرد	۲۵۴	۱۲۳/۳۱	۳۴/۹۳	۲/۸۱۵	۰/۰۰۵
	زن	۲۴۷	۱۱۴/۳۱	۳۶/۶۵		

بیشتر از میانگین فراغت غیرفعال زنان (۶۰/۲۵) است. در کل، می‌توان گفت که میانگین اوقات فراغت زنان و مردان تفاوت معناداری دارد. بنابراین، در ارتباط با این فرضیه‌ی تحقیق که بین زنان و مردان از نظر میانگین اوقات فراغت تفاوت وجود دارد، باید گفت که فرضیه‌ی پژوهش تأیید می‌شود. همچنین، محققان

خروجی آزمون T برای مقایسه‌ی میانگین‌های انواع اوقات فراغت مردان و زنان در جدول شماره (۶) آمده است. بررسی میانگین اوقات فراغت زنان و مردان نشان می‌دهد که از بین انواع اوقات فراغت (فعال و غیرفعال)، تفاوت میانگین اوقات فراغت غیر فعال معنادار است. میانگین فراغت غیرفعال مردان (۷۱/۷۶)

موقعیت خانه و کارخانگی، امکان اشتغال دائمی به زنان را نمی‌دهد، در نتیجه غالب آنان در بازار کار ثانویه و در مشاغل نیمه‌وقت و کم اهمیت‌تر به کار مشغول می‌شوند. به دوش‌کشیدن مسؤلیت سنگین کارهای خانگی (خانه‌داری، بچه‌داری و تربیت فرزندان) به تنهایی و اضافه شدن کار بیرون خانه به آن، در اوقات فراغت زنان محدودیت‌های آشکاری ایجاد می‌کند. با این اوصاف، غالب آنها نه تنها به وقت آزاد، بلکه به فضا و تسهیلات مناسب و درآمد قابل قبول برای پرداختن به اوقات فراغت دسترسی ندارند.

دیگر (واگنر، ۲۰۰۶؛ ابراهیمی و بهنوئی، ۱۳۸۸؛ ربانی و شیر، ۱۳۸۸) به تفاوت معناداری بین زنان و مردان دست یافتند. در تقسیمات اجتماعی، زنان و مردان در حوزه‌ها و لایه‌های متفاوتی جای می‌گیرند. زنان غالباً در «حوزه‌ی خصوصی» خانواده قرار می‌گیرند و مراقبت‌های عاطفی و انجام امور خانگی را برعهده دارند، در حالی که مردان در «حوزه‌ی عمومی» کار، سیاست و فراغت واقع می‌شوند و تحت حمایت حوزه‌ی «خصوصی» قرار می‌گیرند و زنان به آنها خدمت می‌کنند. زنان شاغل با «زحمت دوگانه‌ی» انجام کار استخدامی و رسیدگی به کارهای خانه روبه‌رو هستند (هیوود و دیگران، ۱۳۸۱: ۳۶۷).

جدول شماره ۷ - خروجی آزمون T برای مقایسه‌ی میانگین انواع اوقات فراغت مجرد و متأهل

متغیر	جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سط معناداری
فراغت فعال	مجرد	۱۶۷	۵۵/۸۴	۱۵/۶۹	۳/۲۰۸	۰/۰۰۱
	متأهل	۳۴۳	۵۱/۰۲	۱۶/۰۲		
فراغت غیر فعال	مجرد	۱۶۷	۷۵/۳۳	۲۵/۰۱	۶/۲۴۴	۰/۰۰۰
	متأهل	۳۳۴	۶۱/۴۶	۲۲/۶۱		
اوقات فراغت کل	مجرد	۱۶۷	۱۳۱/۱۷	۳۶/۷۳	۵/۵۶۳	۰/۰۰۰
	متأهل	۳۳۴	۱۱۲/۷۲	۳۴/۱		

دارد، فرضیه‌ی تحقیق تأیید می‌شود. با توجه با نتایج فوق، این ایده به ذهن می‌رسد که افراد مجرد به دلیل مشغله‌ی کمتری که نسبت به افراد متأهل دارند، میزان پرداختن به انواع گوناگون اوقات فراغت در آنها بیشتر است. جی لی و بارگاو (۲۰۰۴)، نیز در تحقیقات خود به این نتایج دست یافتند که افراد متأهل زمان کمتری را به فعالیت‌های اوقات فراغت نسبت به افراد مجرد اختصاص می‌دهند.

بر اساس جدول (۷)، میانگین فراغت فعال افراد مجرد ۵۵/۸۴ بیشتر از میانگین فراغت فعال افراد متأهل است و همچنین؛ میانگین فراغت غیرفعال افراد مجرد ۷۵/۳۳ بیشتر از میانگین فراغت غیرفعال افراد متأهل است که این نتایج با توجه به میزان T به دست آمده در سطح ۹۹ درصد معنادار است. بنابراین در ارتباط با این فرضیه‌ی تحقیق که بین افراد مجرد و متأهل از نظر میانگین اوقات فراغت تفاوت وجود

جدول شماره ۸- خروجی آزمون T برای مقایسه‌ی میانگین انواع اوقات فراغت شهر و روستا

متغیر	جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
فراغت فعال	روستا	۳۰۰	۵۲/۰۶	۱۵/۷۶	-۰/۹۰۳	۰/۳۶۷
	شهر	۲۱۰	۵۳/۳۷	۱۶/۴۸		
فراغت غیرفعال	روستا	۲۹۱	۶۷/۱۴	۲۳/۸۷	۱/۱۴۹	۰/۲۵۱
	شهر	۲۱۰	۶۴/۶۱	۲۴/۸۸		
اوقات فراغت کل	روستا	۲۹۱	۱۱۹/۵۱	۳۵/۴۳	۰/۴۶۷	۰/۶۴۱
	شهر	۲۱۰	۱۱۷/۹۹	۳۶/۹۱		

سال‌های اخیر تحولاتی در زمینه‌های ورود صنعت، گردش روزافزون تمدن مصرف، توسعه‌ی وسایل ارتباطی، گسترش وسایل حمل و نقل و ارتباطات و راه‌ها، گسترش سوادآموزی، اشاعه‌ی الگوهای تازه‌ی فرهنگی و غیره سبب پیدایش یک رشته تحولات بنیادین در نحوه‌ی گذران اوقات فراغت شده و مناطق شهری و روستایی را به‌طور یکسان تحت تأثیر قرار داده است و عوامل ذکر شده در همانندی رفتارهای فراغتی شهر و روستا در خور توجه هستند. الف) تحلیل واریانس گروه سنی برحسب انواع اوقات فراغت

بنابر نتایج جدول (۸)، میانگین انواع اوقات فراغت پاسخگویان شهری و روستایی تقریباً یکسان است. این نتیجه با توجه به میزان T به دست آمده در سطح ۹۵ درصد معنادار نیست، از این رو، می‌توان گفت که میان پاسخگویان شهری و روستایی در زمینه‌ی اوقات فراغت (فعال و غیرفعال) تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین، فرضیه‌ی تحقیق مبنی بر تفاوت میانگین اوقات فراغت در شهر و روستا رد می‌شود. تفکر غالب این است که اوقات فراغت ساکنان شهری به دلیل امکانات زیادتری که در آن وجود دارد، بیشتر از روستاییان است، اما نتیجه‌ی تحقیق حاضر خلاف این نظر است، چرا که در

جدول شماره ۹- جدول توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گروه سنی و میزان اوقات فراغت

انحراف معیار	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	متغیرها					
				گروه سنی	اوقات فراغت				
۰/۹۸	۱۵/۴۱	۵۴/۴	۲۴۴	۱۵ تا ۲۹ سال	فراغت فعال				
						۱۷/۲۶	۵۱/۸۱	۱۹۸	۳۰ تا ۴۹ سال
۰/۷۱	۱۶/۰۶	۵۲/۶	۵۱۰	کل					
۱/۵۴	۲۴/۱۶	۷۴/۹	۲۴۴	۱۵ تا ۲۹ سال	فراغت غیرفعال				
						۲۱/۲۷	۵۹/۸	۱۹۷	۳۰ تا ۴۹ سال
۱/۰۸	۲۴/۳۱	۶۶/۰۸	۵۱۰	کل					
۲/۲۷	۳۵/۴۶	۱۳۰/۳	۲۴۴	۱۵ تا ۲۹ سال	اوقات فراغت کل				
						۳۳/۴۱	۱۱۱/۷۳	۱۹۷	۳۰ تا ۴۹ سال
۱/۶۱	۳۶/۰۳	۱۱۸/۸۷	۵۱۰	کل					

گروه سنی (۶۴-۵۰ سال) اختصاص دارد و میانگین کل گروه سنی (۴۹-۳۰ سال)، (۱۱۱/۷۳) است. با افزایش سن از میزان اوقات فراغت کاسته می شود و از طرفی، در گروه های سنی مختلف نوع گذران اوقات فراغت نیز متفاوت است.

با توجه به جدول (۹)، بین میانگین اوقات فراغت گروه های سنی تفاوت وجود دارد؛ به این صورت که میانگین اوقات فراغت کل (۱۳۰/۳) افراد واقع در گروه سنی (۲۹-۱۵ سال) بالاتر از دو گروه دیگر است. پایین ترین میانگین اوقات فراغت کل (۹۵/۸۳) به

جدول شماره ۱۰ - تحلیل واریانس گروه سنی بر حسب انواع اوقات فراغت

متغیرها	نوع پراکندگی	درجه ی آزادی (df)	F	سطح معناداری (sig)
فراغت فعال	بین گروهی	۲	۱۲/۳۸	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۵۰۷		
فراغت غیرفعال	بین گروهی	۲	۳۹/۷	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۴۹۸		
اوقات فراغت کل	بین گروهی	۲	۳۱/۹۲	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۴۹۸		

ازدواج نرسیده اند و در کنار خانواده زندگی می کنند، لذا مسؤلیت چندانی بر عهده ندارند تا بر اوقات فراغت آنان تأثیرگذار باشد و از میزان اوقات فراغت آنان بکاهد. در دوره ی میانسالی (۴۹-۳۰ سال) با تغییر مسؤلیت فرد در زمینه ی تقبل بار تکفل خود یا اعضای خانواده اش، الگوی گذران اوقات فراغت او نیز تغییر می کند. در این دوران بر مسؤلیت خانوادگی آنان افزوده می شود و لذا این عوامل سبب کاهش اوقات فراغت آنان می شود و به تبع کمتر از دوران جوانی به فعالیت های فراغتی می پردازند. افراد کهنسال (۶۴-۵۰ سال) به علت کاهش توان جسمی، بازنشستگی و از دست دادن منبع شغلی از میزان فراغت آنان کاسته می شود.

بر اساس نتایج حاصل از جدول (۱۰)، بین گروه سنی و انواع اوقات فراغت تفاوت معناداری وجود دارد. این نتیجه با توجه به میزان F به دست آمده در سطح ۹۹ درصد برای فراغت فعال و فراغت غیرفعال معنادار است. از این رو، می توان گفت که میزان پرداختن به انواع اوقات فراغت در بین پاسخگویان بر حسب گروه سنی بر اساس نمره ی میانگین که کسب کرده اند، در سطح یکسانی نیست.

در مجموع، میانگین اوقات فراغت بر حسب گروه سنی گوناگون، متفاوت است. جوانان (۲۹ - ۱۵ سال) به دلیل فرصت شغلی کمتری که از آن برخوردارند، دارای اوقات فراغت بیشتری نسبت به سایر گروه ها هستند و با توجه به اینکه سهم زیادی از جوانان را دانش آموزان تشکیل می دهند که به سن

جدول شماره ۱۱ - ضرایب همبستگی متغیرهای سن، درآمد، تحصیلات پاسخگو، پدر و مادر و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با اوقات فراغت

انواع اوقات فراغت			متغیر	
فراغت کل	فراغت غیرفعال	فراغت فعال		
-۰/۳۶۱	-۰/۳۹۳	-۰/۲۲۴	ضریب همبستگی	سن
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۵۰۱	۵۰۱	۵۱۰	تعداد	
۰/۰۲۱	۰/۰۰۴	۰/۰۴۴	ضریب همبستگی	درآمد
۰/۶۳۲	۰/۹۳۵	۰/۳۱۹	سطح معناداری	
۵۰۱	۵۰۱	۵۱۰	تعداد	
۰/۱۲۹	۰/۱۵۹	۰/۰۵۴	ضریب همبستگی	تحصیلات پدر
۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۲۲۶	سطح معناداری	
۴۸۸	۴۸۸	۴۹۷	تعداد	
۰/۱۷۹	۰/۲۲۴	۰/۰۶۸	ضریب همبستگی	تحصیلات مادر
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۲۹	سطح معناداری	
۴۹۱	۴۹۱	۵۰۰	تعداد	
۰/۳۶۱	۰/۳۹۱	۰/۲۳۶	ضریب همبستگی	تحصیلات پاسخگو
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۴۹۱	۴۹۱	۵۰۰	تعداد	
۰/۱۶۵	۰/۱۸۵	۰/۰۹۵	ضریب همبستگی	پایگاه اجتماعی - اقتصادی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۳۸	سطح معناداری	
۴۶۹	۴۶۹	۴۷۸	تعداد	

۳- نوع رابطه‌ی بین سن و انواع اوقات فراغت منفی است. لذا رابطه‌ی معکوسی بین سن و اوقات فراغت برقرار است. به عبارتی، هر چه سن افراد بالاتر می‌رود، از میزان اوقات فراغت آنان کاسته می‌شود.

۴- رابطه‌ی اوقات فراغت کل با سن معکوس و معنادار است. ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۳۶۱ - است.

در رابطه با همبستگی درآمد با انواع اوقات فراغت جدول (۱۱) نشان می‌دهد که: همبستگی بین درآمد و انواع اوقات فراغت ضعیف است. همچنین، همان‌گونه

در خصوص همبستگی بین سن با انواع اوقات فراغت جدول (۱۱) نشان می‌دهد که:

۱- متغیر سن با تمامی انواع اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری دارد. لذا در ارتباط با این فرضیه‌ی تحقیق که سن با انواع اوقات فراغت رابطه دارد، می‌توان گفت که فرضیه‌ی پژوهش تأیید می‌شود.

۲- رابطه‌ی بین اوقات فراغت غیرفعال با سن ۰/۳۹۳- است که قویتر از رابطه‌ی آن با اوقات فراغت فعال است.

در رابطه با همبستگی بین تحصیلات مادر با انواع اوقات فراغت، داده‌های جدول (۱۱) نشان می‌دهد که:

۱- متغیر تحصیلات مادر با اوقات فراغت غیرفعال رابطه‌ی معناداری دارد، اما با اوقات فراغت فعال رابطه‌ی معناداری ندارد.

۲- رابطه‌ی تحصیلات مادر با اوقات فراغت غیرفعال، قویتر از رابطه‌ی اش با اوقات فراغت فعال است.

۳- رابطه‌ی اوقات فراغت کل با تحصیلات مادر مثبت و معنادار است؛ به این معنا که با افزایش تحصیلات مادر، میزان فراغت در میان افراد نیز افزایش می‌یابد و میزان ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۰/۱۷۹ است.

لذا در ارتباط با این فرضیه‌ی تحقیق که تحصیلات مادر با اوقات فراغت رابطه دارد، می‌توان گفت که فرضیه‌ی پژوهش در مورد اوقات فراغت غیرفعال تأیید می‌شود.

در خصوص رابطه‌ی بین تحصیلات پاسخگو با انواع اوقات فراغت، یافته‌ها گویای آن است که:

۱- متغیر تحصیلات پاسخگو با هر دو نوع اوقات فراغت (فعال و غیرفعال) رابطه‌ی معناداری دارد. لذا در ارتباط با این فرضیه‌ی تحقیق که تحصیلات پاسخگو با انواع اوقات فراغت رابطه دارد، می‌توان گفت که فرضیه‌ی پژوهش تأیید می‌شود.

۲- رابطه‌ی تحصیلات پاسخگو با اوقات فراغت، غیرفعال قویتر از رابطه‌ی اش با اوقات فراغت فعال است.

۳- رابطه‌ی اوقات فراغت کل با تحصیلات پاسخگو مثبت و معنادار است؛ به این معنا که با افزایش تحصیلات پاسخگو، میزان فراغت در بین افراد افزایش می‌یابد و میزان ضریب همبستگی بین این دو متغیر

که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی درآمد با انواع اوقات فراغت مثبت است که این ضریب همبستگی در سطح ۹۵ درصد نیز معنادار نیست؛ به عبارتی، با افزایش درآمد پاسخگویان، میزان پرداختن به فعالیت‌های فراغتی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، اگرچه ضریب همبستگی درآمد با انواع اوقات فراغت، مثبت است، اما این همبستگی با توجه به سطح معناداری مشاهده شده، به لحاظ آماری در سطح ۹۵ درصد معنادار نیست. در کل، می‌توان گفت که بین درآمد و اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. لذا در ارتباط با این فرضیه‌ی تحقیق که درآمد با اوقات فراغت رابطه دارد، می‌توان گفت که فرضیه‌ی پژوهش رد می‌شود.

در خصوص همبستگی بین تحصیلات پدر با انواع اوقات فراغت، داده‌های جدول (۱۱) نشان می‌دهد که:

۱- متغیر تحصیلات پدر با اوقات فراغت غیرفعال رابطه‌ی معناداری دارد، اما با اوقات فراغت فعال رابطه‌ی معناداری ندارد.

۲- رابطه‌ی تحصیلات پدر با اوقات فراغت غیرفعال، قویتر از رابطه‌ی اش با اوقات فراغت فعال است.

۳- رابطه‌ی اوقات فراغت کل با تحصیلات پدر مثبت و معنادار است؛ به این معنا که با افزایش تحصیلات پدر، میزان اوقات فراغت در بین افراد افزایش می‌یابد و میزان ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۰/۱۲۹ است. لذا در ارتباط با این فرضیه‌ی تحقیق که تحصیلات پدر با اوقات فراغت رابطه دارد، می‌توان گفت که فرضیه‌ی پژوهش در مورد اوقات فراغت غیرفعال تأیید می‌شود.

۲- در میان انواع مختلف اوقات فراغت، رابطه‌ی قویتر بین اوقات فراغت غیرفعال با پایگاه اجتماعی- اقتصادی برقرار است که میزان آن ۰/۱۸۵ است.

۳- نوع رابطه‌ی بین متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی و انواع اوقات فراغت مستقیم است. به عبارتی، هر چه پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد بالاتر می‌رود، بر میزان اوقات فراغت آنها افزوده می‌شود.

۴- رابطه‌ی اوقات فراغت کل با متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی مستقیم و معنادار است. میزان همبستگی این دو متغیر ۰/۱۶۵ است.

۰/۳۶۱ است. لذا در ارتباط با این فرضیه‌ی تحقیق که تحصیلات پاسخگو با اوقات فراغت رابطه دارد می‌توان گفت که فرضیه‌ی پژوهش تأیید می‌شود.

در رابطه با همبستگی بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی با انواع اوقات فراغت، یافته‌ها نشان می‌دهد که:

۱- متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی با تمامی انواع اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری دارد. لذا در ارتباط با این فرضیه‌ی تحقیق که متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی با انواع اوقات فراغت رابطه دارد، می‌توان گفت که فرضیه‌ی پژوهش تأیید می‌شود.

جدول شماره ۱۲- رگرسیون خطی چند متغیره متغیرهای مستقل با متغیر وابسته‌ی اوقات فراغت

سطح معناداری	مقدار t	ضرایب استاندارد شده (Beta)	ضریب تعیین تجمعی (R ²)	تغییرات ضریب تعیین (R ²)	ضرایب استاندارد نشده		متغیرهای مستقل
					خطای معیار (Std.Error)	ضریب رگرسیونی (B)	
۰/۰۰۰	۱۷/۳۰۵				۸/۱۹۷	۱۴۱/۴۷۴	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	-۶/۱۳۱	-۰/۳۲	۰/۱۳۷	۰/۱۳۷	۰/۱۵۹	-۰/۹۷۶	سن
۰/۰۱۵	-۲/۴۴۵	-۰/۱۹۲	۰/۱۳۹	۰/۰۰۹	۰/۵۵۳	-۱/۳۵۲	تحصیلات پدر
۰/۰۲۸	۲/۲۰۷	۰/۱۷۱	۰/۱۴۸	۰/۰۰۷	۰/۷۰۲	۱/۵۴۹	تحصیلات مادر
۰/۰۲	۲/۳۳۹	۰/۱۱۷	۰/۱۵۷	۰/۰۰۲	۰/۳۸۹	۰/۳۸۹	تحصیلات پاسخگو

داد. این مقادیر، همچنین گویای جهت و شدت تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نیز هستند.

از میان چهار متغیر مستقل موجود در مدل رگرسیونی، متغیر سن با ضریب بتای ۰/۳۲- به بهترین وجه تغییرات متغیر وابسته (اوقات فراغت) را تبیین می‌کند؛ بدین صورت که ضریب تأثیر این متغیر ۰/۱۳۷ است. این ضریب گویای آن است که ۱۳/۷ درصد از واریانس اوقات فراغت توسط متغیر مستقل سن تبیین می‌شود. از طرفی، متغیر سن دارای تأثیر

رگرسیون خطی چند متغیره متغیرهای مستقل با متغیر وابسته‌ی اوقات فراغت کل در جدول شماره (۱۲) آمده است. در گام اول، داده‌های جدول نشان می‌دهد که از میان پنج متغیر (درآمد، سن، تحصیلات پاسخگو، تحصیلات پدر و مادر) وارد شده در مدل اولیه، چهار متغیر سن، تحصیلات پاسخگو، تحصیلات پدر و مادر در مدل نهایی باقی ماندند، اما این که کدام یک از این متغیرهای مستقل، نقش بیشتری در تعیین متغیر وابسته دارند، باید از طریق مقادیر بتاها تشخیص

متغیرهای سن، تحصیلات پاسخگو، تحصیلات پدر و مادر فرضیه مذکور تأیید می‌شوند، اما در مورد متغیر درآمد فرضیه‌ی مورد نظر رد می‌شود.

نتایج حاکی از آن است که متغیر سن تعیین‌کننده‌ترین عامل در تبیین اوقات فراغت است؛ به گونه‌ای که رابطه‌ی سن و اوقات فراغت معکوس است، زیرا که افزایش سن باعث ایجاد نوعی از ناتوانی‌های جسمی و روحی و کم‌حوصلگی می‌شود و به همین جهت میزان بهره‌مندی آنان از اوقات فراغت کاسته می‌شود. و متغیر درآمد نیز بر اوقات فراغت مؤثر نیست، زیرا که امروزه نوع مصرف و سبک زندگی افراد تبیین‌کننده‌ی بهتری برای رفتارهای فراغتی افراد است. در جامعه‌ی ما که عمده‌ی فعالیت‌های فراغتی، موضوعی فرهنگی است و با سبک زندگی مرتبط است، عوامل فرهنگی هم در این تبیین بیشترین همبستگی را با اوقات فراغت نشان می‌دهند (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۷: ۱۵۲). همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهند، پس از متغیر سن که متغیر فردی است، تحصیلات پدر بیشترین تأثیر را بر اوقات فراغت دارد. سرمایه‌ی فرهنگی والدین سبب می‌شود تا فرزندان در درازمدت منش خاصی را در مصرف فرهنگی درونی کنند که این منش فرهنگی به ایجاد سبک زندگی فرهنگی خاصی نیز می‌انجامد (فاضلی، ۱۳۸۴: ۳۸). ترکیب سبک زندگی افراد و انتقال بین نسلی سرمایه‌ی فرهنگی از والدین به فرزندان، اوقات فراغت آنان را شکل می‌دهد. و از آنجایی که میزان تحصیلات والدین، جزو سرمایه‌ی فرهنگی محسوب می‌شود، در نتیجه بر اوقات فراغت مؤثر است.

معکوس بر اوقات فراغت است؛ بدین معنی که با افزایش سن از میزان اوقات فراغت افراد کاسته و با کاهش سن بر میزان اوقات فراغت افراد افزوده می‌شود. در مرحله‌ی بعدی تأثیرگذاری، از متغیر تحصیلات پدر باید نام برد که با دارا بودن بتای ۰/۱۹۲- نشان می‌دهد این متغیر دارای تأثیر معکوس بر اوقات فراغت است. به عبارتی، هر چه میزان تحصیلات پدر بالاتر باشد، از میزان اوقات فراغت افراد کاسته می‌شود. ضریب تأثیر این متغیر ۰/۰۰۹- است. ضریب تأثیر نشان می‌دهد که ۰/۹ درصد از واریانس اوقات فراغت توسط تحصیلات پدر تبیین می‌شود. مرحله‌ی سوم تأثیرگذاری مربوط به متغیر تحصیلات مادر است که با دارا بودن بتای ۰/۱۷۱- ضمن بیان تأثیر مستقیم بر اوقات فراغت، نشان می‌دهد که هر چه تحصیلات مادر بیشتر باشد، میزان اوقات فراغت افراد بیشتر می‌شود. همچنین، ضریب تأثیر این متغیر ۰/۰۰۷- است. این ضریب گویای آن است که ۰/۷ درصد از واریانس اوقات فراغت توسط متغیر مستقل تحصیلات مادر تبیین می‌شود. در مرحله‌ی چهارم تأثیرگذاری، از متغیر تحصیلات پاسخگو باید نام برد که با دارا بودن بتای ۰/۱۱۷- نشان می‌دهد که این متغیر دارای تأثیر مستقیم بر اوقات فراغت است؛ بدین معنی که هر چه تحصیلات پاسخگو بیشتر باشد، میزان اوقات فراغت آنها نیز بیشتر است. ضریب تأثیر این متغیر ۰/۰۰۲- است. این ضریب نشان می‌دهد که ۰/۲ درصد از واریانس اوقات فراغت توسط تحصیلات پاسخگو تبیین می‌شود. بنابراین، در ارتباط با فرضیه‌ی پژوهش که متغیرهای (سن، تحصیلات پاسخگو، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر و درآمد) بر متغیر وابسته‌ی اوقات فراغت تأثیرگذار است، می‌توان گفت که در ارتباط با

بحث و نتیجه گیری

در جهان پر تنش امروز که انسان‌ها به دلیل مشغله‌ی فراوان، همواره احساس خستگی می‌کنند، اهمیت اوقات فراغت بر همگان روشن است. فراغت می‌تواند تأثیر مثبتی بر زندگی افراد بگذارد تا از زندگی خود لذت برند. این تأثیر به فرد منتهی نشده، بلکه چون افراد، جامعه را تشکیل می‌دهند، فراغت مناسب به برنامه‌ی کلان هر جامعه نیز کمک خواهد کرد (پور اسماعیل، ۱۳۸۵:۱۸۳). در منشور فراغت که در ماه جولای سال ۲۰۰۰ به تصویب هیأت مدیره‌ی جهانی فراغت رسید، آمده است: «تأمین فراغت برای کیفیت زندگی همان قدر اهمیت دارد که تأمین سلامت و آموزش» (روجک، ۱۳۸۸:۱۱). چرخه‌ی زندگی در ادوار گوناگون خود، عملکرد متغیرهای سنی، جنسی و طبقاتی را در قالب فعالیت‌های فراغتی دگرگون می‌کند. به عبارت دیگر، اشتغالات، تمایلات و فعالیت‌های افراد در ادوار مختلف زندگی دگرگون می‌شود و همین امر با ایجاد شرایط جدید، برگردان اوقات فراغت مؤثر است (محمدی اصل، ۱۳۷۸:۱۷).

نتایج گویای آن است که:

هر چه بر میزان تحصیلات افراد افزوده شود، میزان اوقات فراغت افراد نیز بیشتر می‌شود و از طرفی، افراد با تحصیلات بالاتر بیشتر به اوقات فراغت غیرفعال می‌پردازند، مثل تماشای تلویزیون، مطالعه‌ی آزاد، استفاده از اینترنت و غیره، زیرا افراد با تحصیلات دانشگاهی به ضرورت افزایش سطح آگاهی و به دلیل حضور در محیط‌های آموزشی، به فراغت‌هایی که جنبه‌ی آموزشی و یادگیری (مانند مطالعه) دارند، بیشتر می‌پردازند.

همان‌طور که تورکیلدسن عنوان می‌کند، نوع تحصیلات و طول مدت تحصیل در ارتباطی تنگاتنگ

با محیط رشد، طبقه، شغل، درآمد و دیگر عوامل تأثیرگذار بر فراغت هستند. همه‌ی این عوامل در میزان مشارکت بالاتر افراد نقش دارند. تحصیلات تا حدی نیز می‌تواند بر نوع فراغت انتخاب شده تأثیر بگذارد (تورکیلدسن، ۱۳۸۲:۱۷۶).

پایگاه اجتماعی - اقتصادی در ارتباطی تنگاتنگ با اوقات فراغت قرار دارد؛ به این صورت که هر چه پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتر باشد، میزان اوقات فراغت افراد بیشتر می‌شود، و همچنین، پایگاه اجتماعی - اقتصادی با انواع اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری دارد؛ به این صورت که هر چه پایگاه افراد بالاتر باشد، فراغت غیرفعال آنها افزایش می‌یابد و از میزان فراغت فعال آنها کاسته می‌شود.

جنسیت با اوقات فراغت دارای رابطه‌ی معنادار است؛ به این شکل که میزان اوقات فراغت مردان بیشتر از میزان اوقات فراغت زنان است. زنان و دختران همیشه در فرهنگ مردسالارانه‌ی ما از استقلال فردی کمتری بهره برده‌اند. بعلاوه، برای زن در طول تاریخ تکیه گاهی مثل خانواده مرد را فرض کرده‌اند که سرپرستی او را بر عهده دارد و این اساس، زن همیشه باید تابع نظر دیگر اعضای خانواده باشد؛ به گونه‌ای که حتی در مورد اینکه زمان فراغت خودش را چگونه و در کجا سپری کند نیز از خود استقلال رأی ندارد (ابراهیمی و بهنوی، ۱۳۸۸:۱۴۸). چنانکه هیوود بیان می‌کند، یکی از تقسیمات اجتماعی که به ناهمگونی و نابرابری در فراغت منتهی می‌شود، جنسیت است. در بیشتر موارد، نخستین مسؤولیت زنان، سازماندهی امور خانه و انجام کارهای آن است. مسؤولیت‌های خانگی به گونه‌ای است که تنظیم و مشخص کردن مرز کار از اوقات فراغت را دشوار می‌سازد. و بنابراین، باعث تکه تکه شدن اوقات

فراغت می‌شود. از این رو، برای زنان ترسیم خط میان کار و فراغت دشوار است (هیوود، ۱۳۸۱).

بین گروه‌های سنی مختلف در خصوص اوقات فراغت تفاوت وجود دارد؛ بدین شکل که میزان اوقات فراغت گروه سنی (۲۹-۱۵ سال) بیشتر از دو گروه دیگر است. در دوران معاصر، افزایش سال‌های تحصیل و دیررسی ورود انسان به بازار کار و افزایش سن ازدواج، دورانی نسبتاً طولانی را در زندگی انسان‌ها پدید آورده که جوانی خوانده می‌شود. انسان جدید از کودکی مستقیماً به بزرگسالی قدم نمی‌گذارد، بلکه دوره‌ای در زندگی او رخ نموده است که با فقدان یا قلت مسؤلیت‌پذیری مترادف است و در آن اوقات فراغت سهم بزرگی یافته است.

مطالعه‌ی حاضر نشان دهنده‌ی آن است که تفاوت معناداری بین افراد مجرد و متأهل در خصوص میزان اوقات فراغت آنها وجود دارد؛ به این صورت که میزان اوقات فراغت در بین مجردها بیشتر از متأهلان است، زیرا با ازدواج و تشکیل خانواده میزان اوقات فراغت محدود می‌شود. ازدواج مسؤلیت‌های جدیدی بر عهده‌ی زن و مرد قرار می‌دهد که قبل از آن وجود نداشته است و به این دلیل از میزان وقت آزاد آنان که می‌توانستند صرف کارهای مورد علاقه کنند، کاسته می‌شود.

به طور کلی، با بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اوقات فراغت به این نتیجه دست یافتیم که متغیرهای سن، جنسیت، وضعیت تأهل و پایگاه اجتماعی-اقتصادی بر اوقات فراغت مؤثرند، در حالی که متغیرهای درآمد و محل سکونت دارای تأثیر معناداری بر اوقات فراغت نیستند. با تأکید بر مفهوم سبک زندگی و با توجه به نظریه‌ی بوردیو، افراد بر مبنای سبک زندگی از یکدیگر متمایز می‌شوند، لذا افراد از

طریق نوع مصرف سعی می‌کنند تمایزشان را از دیگران نشان دهند و از آنجایی که اوقات فراغت جزئی از سبک زندگی است و نوعی از مصرف تلقی می‌شود، افراد با توجه به اوقات فراغتی که انتخاب می‌کنند، از دیگران متمایز می‌شوند. در واقع، امروزه متغیر سبک زندگی، یکی از مهمترین متغیرهای تعیین‌کننده‌ی تفاوت‌های فراغتی بین افراد است. امروزه به علت جهانی شدن و نفوذ تکنولوژی‌های مدرن، مانند اینترنت، ماهواره و مانند آنها، سبک زندگی در شهر و روستا به میزان زیادی شبیه یکدیگر شده است؛ به عبارتی، تفاوت بین شهر و روستا از بین رفته است و امکاناتی که در شهرها واقع شده است، فراتر از روستاها نیست و الگوی گذران اوقات فراغت در شهر و روستا هر چه بیشتر به هم نزدیک می‌شود.

در جمع‌بندی از نتایج می‌توان این‌گونه بیان کرد که تبیین امر اوقات فراغت به هیچ وجه کار ساده‌ای نیست. هنگامی که به عوامل تأثیرگذار بر اوقات فراغت مردم می‌اندیشیم، در می‌یابیم که تعاملات پیچیده‌ای در این باره در میان است. عوامل گوناگون فردی، اجتماعی، محیطی و موقعیتی به تنهایی یا به همراه عوامل دیگر و یا به‌طور دسته جمعی بر اوقات فراغت تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این، حتی اگر شرایط و محیط هم‌هی مردم نیز یکسان باشد، باز هم هر یک از افراد ممکن است فعالیتی بکلی متفاوت از دیگری در پیش گیرند. با وجود این، تحقیق حاضر به درک پاره‌ای از ارتباطات متقابلی که بین عوامل اجتماعی و میزان مشارکت فرد در اوقات فراغت وجود دارد، دست یافته است که می‌تواند در امر تبیین اوقات فراغت مفید باشد و به برنامه‌ریزان و سیاستمداران در هر چه بهتر کردن گذران این اوقات کمک کند.

پیشنهادهای تحقیق

۱- با توجه به اینکه سطح تحصیلات والدین بر اوقات فراغت مؤثر است، بنابراین، اجرای برنامه‌هایی به منظور بالا بردن سطح آموزش، اطلاعات و همچنین تحصیلات والدین توصیه می‌شود.

۲- از آنجایی که اوقات فراغت به عنوان بخشی از سبک زندگی و جزء جدایی ناپذیر زندگی افراد شده، لازم است سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نسبت به سیاست‌گذاری درباره‌ی فراغت، در راستای هدف‌ها و آرمان‌های جامعه و خواسته‌های مردم، اقدامات لازم را انجام دهند.

۳- دسترسی منصفانه به برنامه‌های فراغتی، سهم اساسی در بهبود کیفیت زندگی افراد دارد. دسترسی به اوقات فراغت باید فارغ از هر گونه محدودیتی باشد. همچنین، تسهیلات و خدمات لازم باید در اختیار آن دسته‌ای که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی از محرومیت برخوردارند، قرار گیرد.

۴- با توجه به اینکه بیشتر افراد در گروه‌های مختلف در زمان فراغتشان از تلویزیون استفاده می‌کنند، پیشنهاد می‌شود راه‌ها و شیوه‌های گذران فراغت از طریق رسانه‌ها آموزش و ترویج داده شود.

۵- توسعه‌ی مراکز ورزشی، تفریحی و فرهنگی در مناطق شهری و روستایی باید به طور عادلانه و برابر توزیع شود.

۶- از آنجایی که اوقات فراغت افراد بیشتر در نهاد خانواده صورت می‌گیرد، خانواده می‌تواند نقش مهمی در این امور داشته باشد. لذا بهتر است سیاست‌مداران، سیاست‌هایی برای تحکیم بنیاد خانواده ایجاد کنند که در هر چه بهتر کردن گذران اوقات فراغت مؤثر می‌باشد.

۷- با توجه به همگانی شدن و ضرورت اوقات فراغت در زندگی اجتماعی افراد در عصر حاضر، ضروری است تا هزینه‌های تفریحات و سایر الگوهای گذران اوقات فراغت کاهش یابد تا همه‌ی افراد گروه‌های مختلف اجتماعی بتوانند از امکانات سالم فراغتی برای پرورش استعدادهای خودشان استفاده کنند.

۸- از آنجایی که انتخاب سبک‌های زندگی در شکل‌گیری هویت‌های فردی در دوران مدرنیته‌ی اخیر دارای نقشی اساسی است (ابراهیمی و بهنوئی، ۱۳۸۸)، در نتیجه، اوقات فراغت بستر مناسبی برای شکل دادن به هویت افراد است، لذا پیشنهاد می‌شود مقوله‌های اوقات فراغت افراد به شکل منطقی‌تری بررسی شود تا نوع رفتار فراغتی متناسب با هنجارها و ارزش‌های فرهنگی جامعه تجلی یابد.

منابع

- ۱- ابراهیمی، قربانعلی و بهنوئی گدنه، عباس. (۱۳۸۸). «اوقات فراغت و هویت: بررسی جامعه‌شناختی رابطه‌ی اوقات فراغت با هویت شخصی در بین جوانان شهر بابلسر»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال پنجم، ش ۱۴، صص ۱۲۷-۱۴۸.
- ۲- اسدی، علی. (۱۳۵۲). «فراغت، تعاریف و دیدگاه‌ها»، سمینار ملی رفاه اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه، تهران: کمیته‌ی گذران اوقات فراغت، ۱۸-۲۲ اسفند.
- ۳- استوری، جان. (۱۳۸۶). مطالعات فرهنگی در مورد فرهنگ عامه، ترجمه حسین پاینده، تهران: آگه.
- ۴- اسمیت، فیلیپ. (۱۳۸۳). درآمدی بر نظریه‌ی فرهنگی»، ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر

۱۲- ربانی، رسول و رستگار، یاسر. (۱۳۸۷). «جوان، سبک زندگی و فرهنگ مصرفی»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال سوم، ش ۲۳ و ۲۴، صص ۴۴-۵۳.

۱۳- ربانی، رسول و شیر، حامد. (۱۳۸۸). «اوقات فراغت و هویت اجتماعی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، ش ۸، صص ۱۰۹-۲۴۹.

۱۴- روجک، کریس. (۱۳۸۸). نظریه‌ی اوقات فراغت (اصول و تجربه‌ها)، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران: نشر شهر.

۱۵- رحمانی و دیگران. (۱۳۸۵). «نقش ورزش در گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تاکستان»، پژوهش در علوم ورزشی، ش ۱۲، صص ۳۵-۵۰.

۱۶- سعیدی رضوانی، نوید و سینی چی، پیروز. (۱۳۸۶). «مشهد و اوقات فراغت»، فصلنامه جستارهای شهرسازی، ش ۲۲-۲۳، صص ۱-۶.

۱۷- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.

۱۸- _____ . (۱۳۸۰) روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: انتشارات پژوهشکده‌ی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۹- شارع‌پور، محمود و خوشفر، غلامرضا. (۱۳۸۱). «رابطه‌ی سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان (مطالعه‌ی موردی شهر تهران)»، نامه‌ی علوم اجتماعی، ش ۲۰، صص ۱۳۳-۱۴۷.

۲۰- شفیعی، سمیه سادات. (۱۳۸۳) بررسی رضامندی زنان از چگونگی گذران اوقات فراغت و عوامل مرتبط با آن در بین کارکنان و اساتید دانشگاه علامه طباطبایی، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد،

پژوهش‌های فرهنگی؛ مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.

۵- پاپلی یزدی، محمد حسین و سقایی، مهدی. (۱۳۸۱). «سنت و مدرنیته»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۶۶ و ۶۵، صص ۲۸-۴.

۶- پور اسماعیل، احسان. (۱۳۸۵). « بهره‌وری از اوقات فراغت با توجه به نظرات جامعه‌شناسان و مقایسه‌ی آن با آموزه‌های و حیانی»، مجله پژوهش دینی، ش چهاردهم، صص ۱۸۳-۲۰۷.

۷- تورکیلدسن، جورج. (۱۳۸۲). اوقات فراغت و نیازهای مردم، ترجمه عباس اردکانیان و عباس حسنی، تهران: نوریخس.

۸- تپیا، مجتبی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه‌ی پایگاه اجتماعی-اقتصادی و چگونگی گذران اوقات فراغت در بین دانشجویان جوان ۱۸-۲۹ سال دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

۹- جلائی پور، حمید رضا و محمدی، جمال. (۱۳۸۷). نظریه‌های متاخر جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.

۱۰- خواجه نوری، بیژن و مقدس، علی اصغر. (۱۳۸۷). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت؛ مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان آباد»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، نیمه‌ی دوم ۱۳۸۷، صص ۱۳۳-۱۵۵.

۱۱- دواس، دی، ای. (۱۳۸۳). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ نائی، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.

۲۸- کیویستو، پیتر. (۱۳۸۰). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر محسنی، تهران: نشر نی.

۲۹- کوزر، لوئیس. (۱۳۸۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

۳۰- کوهستانی، حسین علی. (۱۳۷۸). *پژوهش در اوقات فراغت و راه‌های بهره‌وری از آن*، مشهد: تیهو.

۳۱- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن*، استان مازندران، جویبار، تهران: مرکز آمار ایران.

۳۲- محمدی اصل، عباس. (۱۳۷۸). «اوقات فراغت در مراحل چهارگانه زندگی»، *نشریه‌ی اطلاعات علمی*، سال سیزدهم، ش ۱۰، صص ۱۶-۱۷.

۳۳- مهدی‌پور آکردی، علی. (۱۳۸۵). *چگونگی گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان مقطع متوسطه در شهرستان نکاء و عوامل مؤثر بر آن*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

۳۴- ناییبی، هوشنگ و عبداللهیان، حمید. (۱۳۸۱). «تبیین قشربندی اجتماعی»، *نامه‌ی علوم اجتماعی*، ش ۲۰، صص ۲۰۵-۲۳۶.

۳۵- هیوود، لس و همکاران. (۱۳۸۱). *اوقات فراغت*، ترجمه: محمد احسانی، تهران: امید دانش.

36- Anherier, H.K.Gerhard and Romo.F.P (1995), "From of capital and Social Stricture in Cultural Filds: Examining Boudieus", *American Journal of Sociology*.vol, 100.No, 4.p589-90.

37- Bourdieu,Pierre and Wacquant,Loic (2002),"An Invitation to Reflexive Sociology", Polity Press. Pp,12-28.

دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

۲۱- شفیعی، سمیه. (۱۳۸۷). «مطالعات جنسیتی اوقات فراغت به سوی تبیین سبک زندگی، تهران: پژوهشکده‌ی تحقیقات استراتژیک گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، صص ۱۳۲-۱۷۳»

۲۲- علوی زاده، سید امیر. (۱۳۸۵). «بررسی چگونگی و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت بانوان شهر کاشمر»، *فصلنامه‌ی جمعیت*، ش ۶۴ و ۶۳، صص ۶۱-۸۳.

۲۳- قاضی طباطبائی، محمود. (۱۳۷۶). *تکنیک‌های خاص تحقیق*، تهران: انتشارات پیام نور.

۲۴- فکوهی، ناصر و انصاری مهابادی، فرشته. (۱۳۸۲). «اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی نمونه‌ی موردی دو دبیرستان دخترانه‌ی شهر تهران»، *نامه‌ی انسان‌شناسی*، دوره اول، شماره چهارم، صص ۶۱-۸۹.

۲۵- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۴). «پی‌یر بوردیو: پرسمان دانش و روشنفکری»، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، صص ۱۴۱-۱۶۱.

۲۶- فاضلی، محمد. (۱۳۸۴). «جامعه‌شناسی مصرف موسیقی»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۴، صص ۲۷-۵۳

۲۷- فیضی، ایرج. (۱۳۸۶). «اوقات فراغت و سبک‌های فراغتی»، *نشریه پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات*، صص ۱۸-۲۴.

- 38- Bourdieo, Pierre (1984).”*Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*”, Translated by Richard Nice, London: Routledge.
- 39- Clarke, J & Critcher, C (1985).”*Devil Makes Work*”, Macmillan.pp,150-174.
- 40- Dixi, R & Talbot,M (1982).”*Women, Leisure and Bing*”, Trinity and all Saints College.
- 41- Green, E (1990).”*Women’s Leisure, What’s Leisure?*”, Macmillan Press: London.
- 42- Green, GaryT & Ken, Cordell, H & Betz, CarterJ & Distefano, Christine (2006), ”*Construction and Validation of the National Survey on Recreation and the Environment ’s Lifestyles Scale*“, Journal of Leisure Research, Vol.38,No.4,PP.513-535.
- 43- G. Lee, Yoon and Bhargava, Vibha (2004).” *Leisure Time: Do Married and Single Individuals Spend It Differently?*” Family and Consumer Sciences Research Journal, Vol.32:254-174.
- 44- Neulinger, John. (1981),” *The Psychology of Leisure*”, 2 nd. Ed. cc. Thomas. ISBN.
- 45- Parker, S(1976),” *The Sociology of Leisure*”. London,George Allen Uwind Ltd.
- 46- Roberts, Ken (1999).” *Leisure in Contemporary Society*”, Walling Oxon, Cabi Publishing.
- 47- Southerton, Dale (2001).”*Consuming Kitchens: Taste, Context and Identity Formation*”, Journal of Consumer Culture, vol.2, pp.203-179.
- 48- Torkildsen, G (2001).” *Leisure and Creation Mangement*”, NewYork, Spon Press.
- 49- Wegner, Lisa & Alen J. Flisher & Martie Muller & Carl, Lombard (2006), ” *Leisure Boredom and Substance Use among High School Students in South Africa*”, Journal of Leisure Research, vol.38,No.2,P.249-266.
- 50- Wynne, D (1998). ”*Leisure, Life Style and the New Middle Class A Case Stady*”, London and New York, Rontledge.